

گزارش «وقایع اسرائیلیه» درباره تلاش رژیم عبری

برای پاکسازی فرهنگی قدس شرقی

ما هنوز اینجا هستیم



محمّدعلی یزدانپار

در قلب شهر اورشلیم شرقی - منطقه‌ای که از سال ۱۹۶۷ در اشغال رژیم اسرائیل قرار دارد - تصویر آرام یک فستیوال موسیقی یا نمایش هنری، می‌تواند بیش از یک سرگرمی باشد. در چنین موقعیتی فعالیت‌های فرهنگی ظاهراً بی‌ضرر در واقع جزئی از سیاستی گسترده‌اند که هدفش طرح مجدد هویت شهری به نفع روایت رسمی اسرائیل است. رژیم اسرائیل با استفاده از «قدرت نرم» و بسیج نیروهایش برای «مبارزه فرهنگی» شریاطی ایجاد کرده که باعث شده فرهنگ «یکی از ابزارهای دولت اشغالگر برای تغییر هویت و فضای نمادین شهر» بشود. به عبارت دیگر، هنری که به نظر جشن است، اقدامی است به نفع بازنمایی «شهری یهودی» و حذف ضمنی بافعال روایت فلسطینی از شهر، باید توجه کرد این روند، علاوه بر زیرساخت‌های قانونی و جمعیتی، اکنون در میدان فرهنگی نیز رخ می‌دهد؛ فضاهای مناسب‌ها برای فلسطینیان محدود شده‌اند، در حالی که فستیوال‌ها، نمایشگاه‌ها و پروژه‌هایی با بودجه دولتی برای تقویت حضور و منظر یهودی در شهر سازمان می‌یابند. این مقاله می‌کوشد بررسی کند چگونه ابزارهای فرهنگی - از فستیوال‌ها تا نمایشگاه‌ها - در اورشلیم شرقی به کارگرفته شده‌اند تا پرسش‌های هویت، قدرت و اشغال را بازنویسی کنند و اینکه هنر تا چه حد می‌تواند مستقل از سیاست باشد در شهری که ساختارهای قدرت عمیقاً سیاسی‌اند.

یهودی‌سازی؛ پروژه‌ای فرهنگی

به گزارش پایگاه خبری PL English در ۲۵ جولای ۲۰۲۵، «علی ابراهیم»، پژوهشگر و کارشناس فرهنگ شهری در گفت‌وگویی با رسانه‌ها نسبت به روندی هشدار داده که آن را «یهودی‌سازی فرهنگی اورشلیم شرقی» نامیده است. او می‌گوید دولت اسرائیل طی دوسال گذشته، فستیوال‌های موسیقی، غذا و هنر را در محله‌های فلسطینی، از جمله سلوان و باب‌العامود، برگزار کرده تا حضور فرهنگی و تاریخی فلسطینیان را کم‌رنگ کند. به گفته ابراهیم، انتخاب مکان این رویدادها تصادفی نیست؛ این فستیوال‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که روایت «اورشلیم متحد و یهودی» را در ذهن گردشگران و افکار عمومی تثبیت کنند. او تأکید کرده فرهنگ در اینجا نه یک فعالیت بی‌طرف و خودجوش، بلکه ابزار سیاست‌گذاری شهری و کنترل نمادین فضاست. ابراهیم در پایان هشدار داده این روند نه تنها استفاده ابزاری و توسعه طلبانه و اشغالگرانه از فرهنگ است، بلکه خطر حذف تدریجی حافظه فرهنگی فلسطینیان از چشم‌انداز شهر را به همراه دارد.

ما چرا از چه قرار است؟

در سال‌های اخیر، برگزاری شمار قابل توجهی فستیوال و رویداد فرهنگی در نقاط حساس اورشلیم شرقی - از اجرای کنسرت‌ها و پرده خوانی‌های هنری تا نمایشگاه‌ها و بازارهای «میراثی» - در کنار برگزاری فستیوال‌های مانند The Sounding Jerusalem Festival یا Shaon Horef Cultural Festival افزایش یافته است؛ رویدادهایی که برگزارکنندگان رسمی آن‌ها را بخشی از تقویت «زندگی فرهنگی شهر» معرفی می‌کنند؛ اما حقیقت این است که این فعالیت‌ها اغلب با الگوها و مالکیت‌های شهری پیوند خورده‌اند که به تغییر تدریجی بافت نمادین، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی محله‌های فلسطینی منجر می‌شود. با نگاهی به این وضعیت

رژیم اسرائیل با استفاده از «قدرت نرم» و «هژمونی فرهنگی» از زیبایی‌شناسی و روایت‌های هنری برای تثبیت موقعیت خود و نیل به سمت هدف پاکسازی فرهنگی - جمعیتی قدس شرقی بهره می‌برد

و یک بررسی بلندمدت می‌توان به این نتیجه رسید که انتخاب محل برگزاری، نحوه استفاده از فضاهای تاریخی و تأمین بودجه دولتی هرگز یک موضوع فرهنگی یا سرگرمی نبوده است و در واقع پوششی است برای تغییرات تدریجی؛ اما بنیادین در بافت فرهنگی و جمعیتی قدس شرقی. در صورت ادامه این روند، نابودی میراث و جمعیت فلسطینی از این بخش اشغالی دور از ذهن نخواهد بود. در این میان نباید از نقش نهادهای شهری و گروه‌های حامی مستغلات که پروژه‌های گردشگری فرهنگی و موزه‌سازی را در مناطق مانند سلوان و اطراف دیوارهای شهر قدیم پیش می‌برند، غافل شد؛ پروژه‌هایی که از سوی دولت یا سازمان‌های غیردولتی نزدیک به سیاست‌گذاری شهری پشتیبانی مالی یا تسهیلاتی می‌گیرند. این گونه مداخلات، به ویژه زمانی که با برنامه‌های تبلیغاتی و مسیرهای گردشگری یکپارچه می‌شوند، ابزاری مهم در خدمت «یهودی‌سازی» بافت شهری هستند و فضای فرهنگی بومی را تحت الشعاع قرار می‌دهند. این موضوع به شکل اساسی با نگرانی‌های یونسکو و نمایندگان کشورهای منطقه در تضاد است. آن‌ها با بارها نسبت به تغییر کاربری یا بازتعریف نمادین و فرهنگی اماکن تاریخی هشدار داده‌اند و خواستار شفافیت در پروژه‌های فرهنگی و حفظ حق دسترسی جوامع بومی به میراث خود شده‌اند. این واکنش‌ها نشان می‌دهند پرسش درباره مرز میان «زنده‌سازی فرهنگی» و «سیاست‌گذاری هویتی» فقط در سطح محلی مطرح نیست، بلکه وارد عرصه دیپلماتیک و حقوقی نیز شده است. باید اذعان کرد فستیوال‌ها و پروژه‌های فرهنگی در اورشلیم شرقی امروز بیش از گذشته به یک میدان نمادین تبدیل شده‌اند؛ میدانی که در آن زیبایی‌شناسی، بودجه و سیاست شهری درهم می‌آمیزند؛ اتفاقاتی که گرچه ظاهری بسیار زیبا دارند و به نظر می‌رسد رویدادهای جذاب فرهنگی و هنری باشند؛ اما در حقیقت سلاحی هستند که بدون خونریزی سر می‌برند.

سخت است؛ اما مقاومت ادامه دارد!

در حالی که دولت اسرائیل روایت فرهنگی خود را از اورشلیم شرقی از طریق جشنواره‌ها و پروژه‌های شهری گسترش می‌دهد، در سوی دیگر هنرمندان و گروه‌های فلسطینی با استفاده از ابزارهای نمادین در برابر این روند ایستاده‌اند. به گزارش Le Monde، در فوریه ۲۰۲۵، پلیس اسرائیل یک کتابفروشی فلسطینی در اورشلیم شرقی را مورد حمله قرار داد و کتاب‌هایی از نویسندگانی مانند جامسکی و پاپه را توقیف کرد. این اقدام با اعتراض‌های بین‌المللی روبه‌رو شد و دیپلمات‌هایی از جمله نمایندگان فرانسه در جلسه دادگاه حضور یافتند. این کتابفروشی یک مرکز فرهنگی فلسطینی با سابقه طولانی در برگزاری رویدادهای فرهنگی شناخته می‌شود.

در محله‌هایی چون شیخ جراح و سلوان، دیوارهای گرافیتی، تئاترهای خیابانی و اجراهای کوچک موسیقی به رسانه‌هایی برای بیان اعتراض فرهنگی تبدیل شده‌اند. هنرمندان محلی دست از مبارزه نمی‌کشند و وقتی امکان فعالیت رسمی یا برگزاری نمایشگاه ندارند، خیابان به گالری آن‌ها بدل می‌شود. مراکزی مانند تئاتر الحکواتی و Daral-Sabagh Cultural Center با وجود فشارهای اداری و مالی همچنان به اجرای برنامه‌های آموزشی و هنری ادامه می‌دهند. این نهادها، به گفته پژوهشگران دانشگاه Birzeit و مؤسسه Visualizing Palestine، نه فقط کار فرهنگی، بلکه نوعی «مقاومت نمادین» را پیش می‌برند؛ مقاومتی که با احیای روایت‌های بومی و اصیل فلسطینی، واژگان و فرهنگ تجویزی عبری مسلط را به چالش می‌کشد و حافظه جمعی فلسطینیان را بازتولید می‌کند. از سوی دیگر، دولت اسرائیل بر آن است که این فعالیت‌ها را «غیرسیاسی» و در چهارچوب «امنیت فرهنگی» تعریف و آن‌ها را از اهمیت ساقط کند. با این حال، منتقدان در Middle East Eye و Haaretz معتقدند حتی شکل ظاهراً غیرسیاسی هنر و فرهنگ نیز در فضای اشغال شده رنگ سیاسی می‌گیرد. به گفته یکی از منتقدان فرهنگی اسرائیلی «در اورشلیم، حتی انتخاب رنگ برای دیوار یا زبان برای تابلو، تصمیمی سیاسی است.» در این میان، متخصصان و منتقدان معتقدند رژیم اسرائیل با استفاده از «قدرت نرم» و «هژمونی فرهنگی» از زیبایی‌شناسی و روایت‌های هنری برای تثبیت موقعیت خود و نیل به سمت هدف پاکسازی فرهنگی - جمعیتی قدس شرقی بهره می‌برد. در مقابل، هنرمندان فلسطینی با پروژه‌هایی چون مستندسازی زندگی روزمره، نمایش‌نامه‌های خیابانی و روایت‌های دیجیتال در شبکه‌های اجتماعی، می‌کوشند از نابودی میراث نیاکان خود جلوگیری کنند و تاریخ را دوباره بنویسند. این جریان را می‌توان نوعی بازسازی هویت از پایین دانست؛ فرایندی که در آن هنر به مثابه سلاحی در مقاومت به جنگ هنر به عنوان سلاحی در خدمت قدرت می‌رود، بلکه بتواند از حافظه و حق دیدن و دیده شدن فلسطینیان محافظت کند، در نتیجه واضح است بازنمایی فرهنگی در اورشلیم شرقی به مسئله‌ای فراتر از مرزهای هنری تبدیل شده است؛ نزاعی بر سر معنای شهر، تاریخ و تعلق. آنچه در نگاه نخست صرفاً نقاشی یا اجرای خیابانی به نظر می‌رسد، سندی از مقاومت فرهنگی در برابر پاک‌سازی نمادین است؛ تلاشی برای گفتن این جمله با زبان هنر که «ما هنوز اینجا هستیم».

وسخن آخر...

سیاست استفاده از فرهنگ و هنر برای تغییر هویت شهری، به ویژه در سرزمینی اشغال شده، چیزی نیست که کسی بخواهد از آن دفاع کند. در اورشلیم شرقی، در فستیوال‌ها و پروژه‌های فرهنگی که حالا به ابزاری برای حذف حافظه و بازنمایی یک جنبه تاریخ بدل شده‌اند دیگر مرز میان هنر و تبلیغات دولتی از میان رفته است. چنین روندی نه تنها کوچک‌ترین اعتمادی را از فلسطینیان ساکن قدس شرقی سلب می‌کند، بلکه ریشه‌های هرگونه گفت‌وگویی فرهنگی را نیز می‌خشکاند. نتیجه نهایی این فاشیسم نرم فرهنگی، محو تدریجی هویت بومی و عادی‌سازی اشغال در ذهن نسل‌های بعدی است. هدفی که اگر امروز در برابرش سر خم شود، فردا شاید برای هر هویت فرهنگی دیگری در منطقه پیش بیاید!